

خدا یا به معجزه

**محدثه واعظی‌پور- منتقد سینما

برای نسل ما، کودکان دهه شصت، [داریوش مهرجویی](#) سینماگری روشنفکر است که تنها برای مخاطبی خاص یا جشنواره‌ها فیلم نمی‌سازد. در دهه هفتاد او موفق‌ترین فیلمساز ایرانی است که بخشی از کارنامه‌اش در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب شکل گرفته؛ با این همه فرصت فیلمسازی را به دست می‌آورد و بهترین‌های کارنامه‌اش را در این دوره کلید می‌زند. «اجاره نشین‌ها» یک کمدی سرخوش و هنوز تماشایی است که اشاره‌های سیاسی و کنایه‌هایش، گل‌درشت و شعاری از کار درنیامده. فیلمی که تصویری تازه از کارگردان «گاو»، «پستچی» و «آقای هالو» برای دوستداران سینما می‌سازد.

با «هامون» سرنوشت روشنفکر ایرانی، روشنفکر درک نشده و تنها را روایت و با «سارا»، «پری» و «لیلا» به زنان ایرانی ادای دین می‌کند. فیلم‌های مهرجویی در این دوره، هم نظر مثبت منتقدان را جلب می‌کند هم مخاطب گسترده دارد. او کارگردان شناخته شده و محبوب جامعه ایرانی است. به‌ویژه طبقه تحصیلکرده و دانشجویان.

در دهه 80 و 90، فیلم‌های مهرجویی آهسته‌آهسته ضعیف می‌شوند اما «میهمان مامان» سرشار از زندگی است، بازیگوشانه و شوخ‌طبعانه روحیه ایرانی را به تصویر می‌کشد و خوب و بدش را نقد می‌کند. «سنتوری» گرفتار ممیزی می‌شود، اما به یکی از دوست داشتنی‌ترین فیلم‌های کارنامه او تبدیل شده و در جامعه به حیاتش ادامه می‌دهد. بیش از هر چیز با ترانه‌های محسن چاوشی که غم عشق و فراق علی (بهرام رادان) را تداعی می‌کند.

در ساعت‌های آغازین 23 مهرماه، خبری تکان‌دهنده سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی را پر می‌کند، واقعه آنچنان سهمگین است که باورش سخت است، سکانس پایانی زندگی کارگردانی که بهترین خاطرات سینمایی ما را رقم زده بود با مرگی خونین و تراژیک رقم می‌خورد.

کاش علی عابدینی از راه می‌رسید و حمید هامون (خسرو شکیبایی) را در آستانه غرق شدن و فنا، می‌یافت و به زندگی برمی‌گرداند. اما کابوس ما ادامه دارد و از علی عابدینی خبری نیست.

***اشاره به دیالوگ حمید هامون در «هامون»**